

سرگذشت راه اندازی توپخانه خرمشهر

مصطفی اسکندری پور

گرفتیم زیرا که ما تجربه آتش منحنی را با تیر کشیده (زیر ۴۵ درجه) با تفنگ ۱۰۶ و آتش منحنی با تیر عمودی (بالای ۴۵ درجه) را با خمپاره داشتیم و توپ هویتزر می توانست همزمان هر دو کار را برای ما انجام دهد. لذا ایجاد ارتباط با نیروهای توپخانه ارتش را جهت جمع آوری اطلاعات کافی شروع نمودیم؛ اما شهادت فرمانده دلسوزمان جهان آرا بلافاصله بعد از عملیات ثامن الائمه (ع)، باعث خلل در بسیاری از کارها گردید. پس از فارغ شدن از مراسم عزاداری شهید جهان آرا و دیگر برادرانی که در این عملیات شهید شدند، بلافاصله به همراه ۱۳ تن از برادران ادوات، جهت پشتیبانی از تیپ عاشورا در عملیات طریق القدس عازم منطقه عملیاتی شدیم، اما برادران دیگر (سردار حسنعلی سواریان، شهید جمور ثانی زاده و برادر پاسدار احمد نوروزی) قضیه راه اندازی توپ را دنبال نمودند. با روی کار آمدن دکتر سیدرضا موسوی بجای شهید جهان آرا، هماهنگی های لازم با گروه توپخانه ارتش جهت آموزش بچه های سپاه خرمشهر صورت گرفته بود. وقتی اینجانب از مأموریت طریق القدس برگشتم بلافاصله مرحله عملیاتی کردن قبضه را با دیگر برادران آغاز نمودیم و یک نفر از توپخانه شهرضای اصفهان بنام ستوان سوم رضایی به مدت یک هفته به سپاه خرمشهر مأمور گردید تا آموزش چگونگی کار با توپ و نگهداری از آن را به چندتن از برادران بیاموزد و بنده به

پس از پیروزی عملیات شکوهمند ثامن الائمه (ع) در بین غنائم بدست آمده از دشمن بعضی چهار قبضه توپ به پایگاه سپاه خرمشهر آورده شد و به انباری در کنار پرشین هتل که مقر سپاه بود منتقل گردیدند. این چهار قبضه عبارت بودند از سه توپ ۱۵۵م.م هویتزرکشتی آمریکایی و یک قبضه توپ ۱۵۲م.م روسی که دو قبضه از توپ ۱۵۵ به ارتش تحویل گردید. سپاه خرمشهر در آن موقع برای جوابگویی به آتش منحنی دشمن، مبادرت به تشکیل مجموعه ای به نام یگان سلاح سنگین کرده بود که عمده سلاح موجود در این یگان عبارت بود از خمپاره های ۸۱م.م و ۱۲۰م.م و همچنین چند قبضه تفنگ ۱۰۶م.م که تعدادی از آنها را به صورت ابتکاری بر روی سکوه های سیمانی ثابت نصب کرده و از پشت خط مقدم خودی در منطقه جبهه کوت شیخ واقع در جنوب خرمشهر بر روی خط مقدم دشمن که در قسمت شمالی رود کارون در خرمشهر مستقر بوده اند شلیک می نمودند. اینجانب در آن زمان که هدایت آتش خمپاره ها را بر عهده داشتم، برای عملکرد بهتر، در زمستان سال ۵۹ دوره ادوات را نزد آتشبار ادوات قوچان که در منطقه مستقر بود به همراه چند تن از برادران به دستور شهید جهان آرا آموزش دیده بودیم و تا زمان عملیات شکست حصر آبادان تجربه خوبی پیدا کرده بودیم. لذا با دیدن تویی همچون توپ ۱۵۵م.م، ذوق زده شده و تصمیم به راه اندازی آن

داده بود را به پادگان لشکر در اهواز منتقل کرده بودند. با پیگیری و مکاتبات بین سپاه خرمشهر و لشکر ۹۲ موافقت بازپس گرفتن آنها را از ارتش گرفتیم و آن دو قبضه را نیز راه اندازی نمودیم.

پس از انجام عملیات فتح المبین از طرف قرارگاه کربلا اینجانب و برادر حسنعلی سواریان مأمور سرشماری از غنائم توپ و مهمات مربوطه شدیم. در سرکشی های به عمل آمده از منطقه عملیاتی، متوجه یک



قبضه دیگر از توپ های ۱۵۵م. هویتر در پادگان کرخه شدیم. بلافاصله نسبت به تحویل گرفتن آن اقدام نمودیم و آتشبار ما به چهار قبضه مجهز شد. ناگفته نماند که در منطقه عملیاتی فتح المبین حدود نود قبضه توپ با کالیبرهای مختلف را سرشماری نمودیم که عمدتاً از نوع ۱۲۲م. بودند و بعداً آتشبار دومی از توپ های ۱۲۲م. نیز راه اندازی نمودیم که در دو عملیات بیت المقدس و رمضان در نقاط مختلف عملیاتی جنوب به مأموریت اعزام شدیم. در عملیات رمضان بنا به دستور قرارگاه کربلا به عنوان پشتیبان لشکر حضرت رسول (ص) وارد عمل گردیدیم و پس از عملیات رمضان، برادران لشکر حضرت رسول (ص) که قبل از اعزام به لبنان توپخانه لشکر را تحویل لشکر عاشورا داده بودند پس از بازگشت از لبنان به همراه حکمی از فرماندهان وقت برای تحویل گرفتن کلیه توپ ها و تجهیزات متعلق به آن، به سپاه خرمشهر مراجعه نمودند و برادران سپاه خرمشهر به دلیل تقیدی که داشتند علی رغم میل باطنی خود به عمر توپخانه ای که برایشان بسیار عزیز بود پایان دادند.

همراه دو تن دیگر از برادران برای آموزش هدایت آتش توپخانه به آتشبار مستقر در خسروآباد عزیزت نمودیم و از آنجایی که هدایت آتش توپخانه با خمپاره تفاوت چندانی نداشت لذا ظرف مدت حدود دو هفته کلیه کارهای روانه کردن توپ و هدایت آتش را فرا گرفتیم و همزمان با این آموزش، قبضه را به منطقه ای به نام شطه که پوشیده از نخل خرما بود و محل استتار بسیار خوبی برای این منظور بود منتقل نموده و مستقر شدیم. برای تحویل گرفتن وسایل هدایت آتش به نزد برادر احمد فروزنده که در آن موقع مسئول اطلاعات سپاه خرمشهر بود و کلیه نقشه ها و کالک ها نزد وی بود مراجعه نمودم و نیز طرح تیر و خط کش های مربوطه و چند عدد کالک عملیاتی که به همراه توپ به غنیمت گرفته شده بودند از وی تحویل گرفتیم. در آنجا بود که متوجه شدم این قبضه توپ از همان آتشباری است که ملک حسین اردنی به صدام جهت جنگ علیه ایران هدیه داده بود. چون بر روی میز طرح تیر و خط کشها به زبان عربی نوشته شده بود (لاهداء المملكة الاردنية الهاشمية الى الجيش العراقي) بالاخره با مستقر شدن در محل تعیین شده و گرفتن تعدادی مهمات از زاغه مهمات چوئیده، کارمان با یک قبضه آغاز گردید. دو قبضه دیگر از همین آتشبار که قبلاً سپاه خرمشهر آنها را به لشکر ۹۲ زرهی تحویل